

موانع کارآمدی شعب تخصصی تجاری در حقوق ایران^۱

نگین غلامی^۲

چکیده

تشکیل دادگاه تجاری در سابقه تقنینی و قضایی ایران تجربه ناکامی بوده است. حتی گذشت قریب به یکصد سال از انحلال آن، گویی نتوانسته تلخی تجربه آن را از کام قانون‌گذار بزداید. از این رو به‌رغم ضرورت تشکیل چنین مرجعی برای رسیدگی به دعاوی تجاری، تخصیص شعبی از دادگاه عمومی به عنوان شعب تخصصی تجاری را به عنوان راهکاری با هزینه و ریسک کمتر به عنوان جایگزین دادگاه اختصاصی تجاری برگزیده تا به زعم خویش به نیازهای تجار در زمینه رسیدگی به دعاوی ایشان پاسخ درخوری داده باشد، اما با توجه به محدودیت‌های ساختاری در این شعب تخصصی از جمله رسیدگی و صدور حکم تنها توسط قاضی و بدون دخالت و مشاوره تجار، کمبود قضات متخصص در زمینه امور تجاری، فقدان قانون آیین دادرسی ویژه و لزوم رسیدگی به دعاوی بر مبنای قوانین ماهوی تجاری فعلی که پر از نقص و موجبات اطاله دادرسی است، کارآمدی مورد انتظار از یک مرجع تخصصی را محقق نمی‌سازد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با اتکا بر مطالعات کتابخانه‌ای، ضمن ارائه پیشنهاداتی جهت رفع خلاهای قانونی برای کارآمد شدن قوانین ماهوی و شکلی موجود، تشکیل دیوان تخصصی تجاری به جای دادگاه اختصاصی و یا شعب تخصصی تجاری را به عنوان راهکار کارآمدتری برای رسیدگی به دعاوی تجاری پیشنهاد می‌کند.

واژگان کلیدی: دادگاه تجاری، دیوان تخصصی تجاری، دعاوی تجاری، تسریع

۱. این مقاله مستخرج از کار پژوهشی صورت گرفته در دوره فرصت مطالعاتی ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه دانشگاه کردستان با عنوان «بررسی تحلیلی تشکیل دادگاه‌های تجاری در ایران: مزایا، موانع و راهکارها» است که نگارنده برای مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران انجام داده است.

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

در دادرسی، شعب تخصصی تجاری

درآمد

یکی از مشکلاتی که تجار در ایران با آن مواجه هستند، فقدان یک دادگاه اختصاصی برای رسیدگی به دعاوی تجاری است. در دادگاه‌های عمومی به دلیل تراکم بالای پرونده‌ها، عدم آشنایی و تسلط قضات به امور تجاری و عرف‌های حاکم بر حوزه‌های گوناگون آن، رسیدگی به پرونده‌ها از جمله پرونده دعاوی تجاری با کندی و اطاله بسیار صورت می‌گیرد. هر چند در برهه‌ای از تاریخ، محاکم تجاری در ایران نیز به تبعیت از بسیاری از کشورها تشکیل شد، اما به دلیل نداشتن کارآمدی که از آن‌ها انتظار می‌رفت، دیری نپایید و از پیکره نظام قضایی ایران حذف گردید. تشکیل محاکم تجاری مانند هر پدیده دیگری واجد آثار مثبت و منفی متعددی است که نویسندگان در کتاب‌ها و مقالات خود به تفصیل به آن‌ها پرداخته‌اند و به همین دلیل در این جا تنها به بیان موردی آن‌ها اکتفا می‌گردد. تسریع در دادرسی (جوهر، ۱۴۰۰: ۱۶)، افزایش دقت در رسیدگی (Easterbrook, 1989: 877) کاهش حجم پرونده‌های محاکم عمومی (جوهر و نیکوند، ۱۳۹۹: ۶۱) (Baum, 2010: 1535) افزایش اعتبار و امنیت معاملات تجاری (قاسمی حامد و غفوری اصل، ۱۳۹۴: ۴۴)، گسترش سرمایه‌گذاری خارجی (مافی و افشار ونگینی، ۱۴۰۱: ۱۶۱-۱۶۲)، از جمله پیامدهای مثبت و خطر اعمال نفوذ گروه‌های ذی‌نفع (Wang, 2007: 15) اختلاف در صلاحیت (Vijay Damle, 2005: 1284) و ایجاد نگرش محدود در قضات (Sil-versri, 2014: 168) از جمله آثار و پیامدهای منفی است که برای دادگاه‌های تجاری بیان شده است، اما واقعیت آن است که صرف تشکیل محاکم اختصاصی تجاری ولو با آیین دادرسی خاص، به تنهایی نمی‌تواند کارایی مورد نظر را داشته و تمامی آثار مثبتی که در بالا برشمردیم را محقق سازد. تشکیل مرجعی اختصاصی برای رسیدگی به دعاوی تجاری، زمانی می‌تواند مؤثر و مفید باشد که پیش از ایجاد چنین مرجعی، عواملی که مانع کارکرد مثبت آن می‌شوند شناسایی و برطرف شود.

چند عاملی که به شدت می‌تواند بر کیفیت رسیدگی در شعب یا دادگاه اختصاصی تجاری در حقوق ایران تاثیر منفی بگذارد عبارتند از: ضعف قوانین ماهوی تجاری، تخصص نداشتن قضات در زمینه امور تجاری، کمبود وکیل متخصص در

این زمینه و حجم زیاد پرونده‌های ورودی به دستگاه قضایی. به عبارتی، رسیدگی تخصصی به دعاوی حوزه‌های تخصصی مستلزم فراهم آمدن مقدماتی است تا کارآمدی مورد انتظار از چنین مراجعی محقق گردد و طبیعی است که بدون رفع نواقص موجود و پیش از فراهم آوردن مقدمات لازم، به صرف اختصاص چند شعبه برای رسیدگی تخصصی به دعاوی تجاری یا حتی تشکیل یک دادگاه اختصاصی در بستر شرایط فعلی نمی‌توان انتظار ایجاد تغییرات مثبت و مؤثر در دادرسی امور تجاری داشت.

در همین راستا، نگارنده در این پژوهش، پس از بیان مقدماتی در خصوص بررسی تطبیقی وضعیت تشکیل دادگاه‌های تجاری در ایران و چند کشور دیگر، ضمن واکاوی موانع موجود، به ارائه و پیشنهاد راهکارهایی جهت رفع این موانع در نظام حقوقی ایران پرداخته است.

۱. بررسی تطبیقی دادگاه‌های تجاری در نظام حقوقی ایران و دیگر

کشورها

در حقوق ایران، دادگاه تجاری به عنوان یک مرجع اختصاصی رسیدگی‌کننده به دعاوی تجاری وجود ندارد. البته در برهه کوتاهی از تاریخ قضایی ایران شاهد تشکیل چنین محاکمی بوده‌ایم. اما متأسفانه به دلیل نداشتن کارایی مورد نظر بقای آن‌ها دیری نپایید و قانون تسریع محاکمات مصوب ۱۳۰۹ ه.ش دادگاه‌های تجاری را از پیکره نظام قضایی ایران حذف کرد و رسیدگی به این دعاوی را در صلاحیت محاکم حقوقی قرار داد. از آن زمان تا کنون هرچند در قوانین مختلف بر ضرورت تشکیل چنین محاکمی تصریح و تأکید شده اما تا کنون دادگاه تجاری به عنوان مرجع اختصاصی رسیدگی به دعاوی تجاری تشکیل نگردیده است. یکی از آخرین تلاش‌های تقنینی در این زمینه که البته به نتیجه نرسید، تهیه و تدوین «لایحه آیین دادرسی تجاری» توسط قوه قضاییه بود که پس از تصویب در هیات دولت در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۵ به مجلس ارسال شد. متأسفانه پس از ارسال به مجلس و در پی اظهار نظر کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و ایرادهایی که مطرح کردند از جمله این که «به دلیل ابهام موجود در نظام حقوقی در خصوص تاجر و اعمال تجاری، تشکیل دادگاه‌های تجاری به جهت اختلافی که در صلاحیت با دادگاه

عمومی حقوقی خواهد داشت نه تنها کمک چندانی به دادگستری نمی‌کند بلکه خود عامل اطاله دادرسی است»، این لایحه از دستور کار مجلس خارج شد.

این که تلاش‌ها برای تاسیس محاکم اختصاصی تجاری تاکنون نافرجام بوده، به معنای منفعل ماندن نظام قانونی و قضایی در مقابل خلاء وجود مرجع تخصصی برای رسیدگی به دعاوی تجاری نیست. یکی از راهکارهایی که برای حل این معضل ارائه شده، تخصیص شعبی از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به موضوعات تجاری است. به عبارتی، ایجاد شعب تخصصی رسیدگی جایگزین ایجاد یک دادگاه اختصاصی تجاری شده است. بر همین مبنا، در اسناد بالادستی تعیین سیاست قضایی کشور نظیر «سند تحول قضایی» مصوب ۱۳۹۹/۹/۳۰ رئیس قوه قضاییه و نسخه بعدی این سند تحت عنوان «سند تحول و تعالی قوه قضاییه مصوب ۱۴۰۳/۱/۶ و یا «سند امنیت قضایی» مصوب ۱۳۹۹/۷/۲۱ رییس قوه قضاییه، بر ایجاد شعب تخصصی برای رسیدگی به دعاوی تجاری یا سایر امور اقتصادی تصریح و تاکید شده است. هم‌چنین رییس قوه قضاییه در اجرای ماده ۵۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و تبصره آن و با لحاظ ماده ۲۵ همان قانون، آیین‌نامه «شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی» را در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۲۸ تصویب نمود. در اجرای این آیین‌نامه، رییس کل دادگستری استان تهران در تاریخ ۱۳۹۹/۸/۲۹ «دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران» را مصوب کرد که بر اساس آن، مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران که متشکل از شعبی از دادگاه‌های حقوقی است تشکیل شد. هم‌چنین به موجب «دستورالعمل نحوه تشکیل شعب تخصصی رسیدگی به اختلافات در حوزه علم و فناوری» مصوب ۱۴۰۲/۲/۵ رییس قوه قضاییه، در کلیه مراکز استان به تشخیص رییس کل دادگستری استان، حداقل یکی از شعب دادگاه‌های نخستین، تجدیدنظر و شورای حل اختلاف جهت رسیدگی به اختلافات حقوقی و کیفری در زمینه علمی و فناوری بین اشخاص نخبه، شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان و اشخاص فناور با یکدیگر یا با دیگر اشخاص حقیقی و حقوقی مانند اختلافات در مورد فروش، انتقال، مالکیت، مشارکت، سرمایه‌گذاری، بهره‌برداری از امتیازات، اختلاف بین شرکا و سهام‌داران، اختلاف بین شرکت‌ها با کارکنان، کارگزاری و مشاوران مالی، حقوقی و فنی خود در زمینه فناوری و در فرایندهای تجاری سازی

اختصاص می‌یابد.

افزون بر ایجاد شعب تخصصی برای رسیدگی به دعاوی تجاری، برخی نهادهای شبه قضایی نظیر هیات داوری بورس به موجب ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ برای رسیدگی به اختلافات بین کارگزاران، بازارگردانان، کارگزار/ معامله‌گران، مشاوران سرمایه‌گذاری، ناشران، سرمایه‌گذاران و دیگر اشخاص ذی‌ربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها صلاحیت دارند.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که در حقوق ایران، به‌رغم این‌که دادگاه اختصاصی تجاری وجود ندارد، اما سمت و سوی سیاست‌گذاری‌ها در جهتی است که دعاوی تجاری و یا اقتصادی در شعب تخصصی و یا برخی نهادهای شبه قضایی خاص مورد رسیدگی قرار گیرند.

در اروپا، محاکم تجاری ابتدا در ایتالیا تشکیل شد. پس از ایتالیا، فرانسه نیز اقدام به تشکیل چنین محاکمی نمود. اولین محاکم تجاری در فرانسه در حدود سال ۱۵۶۳ تشکیل شدند و پس از آن در طی سال‌ها اصلاحاتی بر ترکیب و ساختار این دادگاه‌ها وارد شد، ولی هم‌چنان از آن سال تاکنون، این محاکم در نظام قضایی فرانسه باقی مانده‌اند (مجاهد، ۱۴۰۱: ۲۷). تعداد قضات این دادگاه‌ها باید فرد بوده و تصمیم‌گیری با موافقت حداقل سه نفر صورت گیرد. قضات دادگاه‌های تجاری در فرانسه در واقع، خود تاجر هستند و تخصص حقوقی ندارند و توسط هیات متشکل از قضات فعلی و سابق دادگاه‌های تجاری و اعضای اتاق بازرگانی و صنایع برای دو سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آن‌ها بدون مانع است. فعالیت این قضات در دادگاه‌های تجاری رایگان است و بابت آن حقوقی نمی‌گیرند (نریمانی، ۱۴۰۲: ۸۴). دادگاه‌های اختصاصی تجاری در این کشور تنها در سطح بدوی تشکیل شده و رسیدگی در مراحل بالاتر در دادگاه‌های تجدیدنظر صورت می‌گیرد و دادگاه اختصاصی تجدیدنظر ندارند. هرچند در عمل بعضی از شعب تجدیدنظر و دیوان عالی کشور فرانسه شعبی را برای رسیدگی به این‌گونه دعاوی اختصاص داده‌اند (همان: ۸۵).

در نظام حقوقی آلمان، برای رسیدگی به دعاوی تجاری مانند نظام حقوقی فرانسه دادگاه اختصاصی تجاری وجود ندارد، بلکه رسیدگی به دعاوی تجاری در

صلاحیت دادگاه‌های عمومی است که شعبی از این دادگاه‌ها به عنوان شعب تخصصی برای رسیدگی به این نوع دعاوی اختصاص یافته‌اند. رسیدگی در این شعب با حضور یک قاضی و دو تاجر با حق رای یکسان صورت می‌گیرد. دعاوی مربوط به شرکت‌ها، معاملات تجاری دو طرفه، اسناد تجاری، نام‌های تجاری، رقابت ناعادلانه و ... در این شعب تخصصی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند (همان: ۸۷).

یک نمونه تجربه موفق دادگاه تجاری، دادگاه تجاری انگلیس است که سابقه تاسیس آن به اواخر قرن نوزدهم بازمی‌گردد و تاکنون پابرجاست. این دادگاه برای حل مشکل تاخیر در رسیدگی به دعاوی که اعتماد تجار را خدشه‌دار می‌ساخت تاسیس شد (Ramasubramanian, 2015: 84) و به پرونده‌های پیچیده تجاری داخلی و خارجی در موضوعاتی چون تجارت بین‌الملل و بانک‌داری، رسیدگی می‌کند. با توجه به عملکرد موفق این دادگاه، طبق یک تحقیق صورت گرفته در هشتماد درصد پرونده‌های مطرح نزد این دادگاه یک طرف و در پنج‌ده و دو درصد هر دو طرف خارجی هستند؛ بنابراین می‌توان گفت بخش عمده‌ای از پرونده‌های این دادگاه مربوط به خارجیان است که دادگاه تجاری انگلیس را به عنوان محل رسیدگی به اختلافات خود انتخاب نموده‌اند (The Stationery Office, 2009: 273). افزون بر این دادگاه، دادگاه‌های تجاری دیگری وجود دارد که هر یک در زمینه‌ای از امور تجاری صلاحیت دارند؛ از جمله دادگاه دریایی که به اختلافات دریایی نظیر تصادم کشتی‌ها، رهن، نجات دریایی و حمل بار می‌پردازد. دادگاه ساخت و ساز و تکنولوژی، دادگاه ورشکستگی و شرکت‌ها، دادگاه ثبت اختراعات و دادگاه مالکیت فکری از دیگر اقسام چنین دادگاه‌هایی هستند (HM Courts & Tribunals Service, 2022: 84) از این رو در حقوق انگلیس به جای تمرکز تمام موضوعات تجاری در یک دادگاه اختصاصی، دادگاه‌های متعدد با صلاحیت انحصاری محدود در امور تجاری ایجاد شده است. این روش مطلوبی است؛ زیرا موجب تراکم کار کمتر و تمرکز بیشتر دادگاه بر پرونده‌های داخل در صلاحیت خود می‌شود و اصل رسیدگی همراه با سرعت و دقت در رسیدگی‌ها محقق می‌گردد.

در کشور آمریکا با توجه به نظام فدرالی حاکم بر این کشور، نمی‌توان یک ساختار قضایی واحد برای تمام ایالت‌ها متصور شد. در هر ایالتی علاوه بر دادگاه‌های

فدرال، دادگاه‌های ایالتی نیز وجود دارد (Administrative Office of the U.S). Court, 2016: 22) لذا در خصوص موضوع نحوه رسیدگی به دعاوی تجاری باید مقررات هر ایالتی را به صورت مجزا مورد بررسی قرار داد. با این وصف، نمونه‌هایی از رسیدگی تخصصی به مسائل تجاری را می‌توان در دادگاه تجاری نیویورک، دادگاه ورشکستگی در بعضی از ایالت‌ها و دیوان تجارت بین‌الملل ایالات متحده مشاهده کرد. دادگاه تجاری نیویورک در ابتدا به صورت آزمایشی کار خود را شروع نمود و سپس عملکرد مطلوبی در رسیدگی به دعاوی تجاری از خود نشان داد (Haig, 1996: 191-205) از جمله دلایل کارآمدی این دادگاه، کاهش مدت زمان رسیدگی به پرونده‌ها است (Ramasubramanian, 2015: 86)، استفاده از فناوری‌های جدید برای ارتقای کارایی دادگاه نیویورک و الکترونیک کردن دادرسی‌هاست. این برنامه ابتدا به صورت آزمایشی اجرا شد سپس در تمام شعب الزامی گردید. راحتی، ارتقای کارایی از طریق افزایش سرعت و دقت در رسیدگی، کم کردن هزینه‌ها برای اصحاب دعوی و دادگستری از جمله مزیت‌هایی استفاده از فناوری‌های جدید در دادرسی‌های دادگاه‌های تجاری نیویورک است (Difore, 2018: 1).

در قاره آسیا چند نمونه از این دادگاه‌های تجاری وجود دارد که به تاسی از دادگاه تجاری انگلیس به وجود آمده‌اند. از جمله دادگاه‌های تجاری قطر و دوی. (Parish, 2015: 32) یکی دیگر از نمونه‌های موفق دادگاه تجاری در آسیا، دادگاه تجارت بین‌المللی سنگاپور است که صلاحیت آن به دعاوی تجاری بین‌المللی محدود است. بنا به برخی گزارش‌ها، عملکرد مطلوب این مرجع باعث شده بسیاری از شرکت‌های تجاری هند، چین و اندونزی این دادگاه را برای رسیدگی به دعاوی تجاری بین‌المللی خود انتخاب کنند (South China Morning Post, 2014). از جمله امتیازات این دادگاه که سبب جذابیت آن به عنوان مرجع رسیدگی به اختلافات تجاری برای بسیاری از شرکت‌های تجاری خارجی شده عبارت است از: استفاده از هیاتی از قضات بین‌المللی از کشورهای مختلف شامل انگلیس، استرالیا، ژاپن، فرانسه و ...، امکان استفاده از وکلا و نمایندگان خارجی، امکان تعیین قانون خارجی بر دعوی توسط طرفین، امکان کنار زدن قوانین مربوط به ادله سنگاپور و امکان تغییر یا محدود کردن حق اعتراض به رای (Lye & Chan, 2015: 5-7).

۲. موانع کارآمدی شعب تخصصی یا دادگاه تجاری در حقوق ایران

به طور کلی، عدم توجه به بایسته‌های سیاست‌گذاری عمومی و اتخاذ راه‌حل‌های سطحی و عدم توجه به ریشه‌های مسأله موجب ناکامی در رسیدن به نتیجه مطلوب می‌گردد (بهره‌مند بگ‌نظر و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۲). لازمه تشکیل یک مرجع اختصاصی برای رسیدگی به دعاوی تجاری، از بین بردن عواملی است که مانع کارکرد مطلوب چنین نهادی می‌شوند در ادامه به بررسی چند مورد از مهم‌ترین این موانع می‌پردازیم.

۱-۲. کمبود یا فقدان نیروی انسانی متخصص در امور تجاری

وجود قضات متخصص در امور تجاری از عوامل تاثیرگذاری دادگاه‌های تجاری است. قضات عمومی که تخصصی در عرصه تجارت ندارند کارایی مورد انتظار از دادگاه‌های تجاری را محقق نمی‌سازند. صرف شرکت در یک یا چند دوره آموزشی که اغلب کوتاه مدت است، برای کسب تخصص کافی نیست، بلکه تخصص از طریق تجربه عملی در کنار آموزش به دست می‌آید. یک سوال مهم در این زمینه، این است که چه کسی تخصص قاضی را تشخیص می‌دهد؟ می‌توان چنین فرض کرد که قاضی با رسیدگی به پرونده‌های یک حوزه خاص از حقوق برای مدت زمان طولانی، در آن زمینه متخصص می‌شود. در این موارد، مشکل این‌جاست که مقررات حاکم بر سازمان‌های قضایی اجازه بررسی و ارزیابی این‌که آیا قاضی در آن زمینه دارای تخصص شده یا نه را نمی‌دهد. در چنین شرایطی، قاضی بدون هرگونه آزمون دیگر در خصوص عملکرد، ارتقا می‌یابد و صرفاً بر مبنای سابقه و بدون ارزیابی میزان تخصص، عنوان متخصص در آن حوزه را به دست می‌آورد. در نظام‌های حقوقی که قوه قضاییه آن‌ها ساختاری اداری و کارمندی دارد ایجاد دادگاه‌های تخصصی تنها زمانی معنا می‌یابد که تخصص قضات منصوب در آن‌ها به صورت عینی به بوته آزمایش درآمده و اثبات شده باشد. اگر راه خاصی برای شناسایی قضات متخصص در یک زمینه خاص وجود نداشته باشد، تاسیس دادگاه‌ها یا شعبات تخصصی تنها در حد یک روش تقسیم کار برای بهبود حل و فصل دعاوی است و ارتباطی با تخصصی سازی ندارد (Silversri, 2014: 168).

۲-۲. فقدان قوانین شکلی و ماهوی مناسب و نقص قوانین موجود حوزه

تجارت

قوانین موجود در زمینه امور تجاری بسیار ناکارآمد هستند. بدیهی است که بسیاری از مسائل اقتصادی و تجاری روز در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ وجود ندارد. مقررات ورشکستگی در عمل، نه تنها نوعی محدودیت برای تاجر نیست، بلکه به مفری برای بعضی از تجار تبدیل شده تا بتوانند از مزایای آن به نفع خود استفاده کرده و به طلبکاران و حتی اشخاص دیگر ضرر برسانند. رسیدگی به پرونده‌های ورشکستگی در بسیاری از موارد بیش از یک سال طول می‌کشد که در تضاد کامل با اصل سرعت مورد نیاز در پرونده‌های تجاری است. هم‌چنین ضابطه دقیقی برای مفهوم توقف وجود ندارد و همین امر سبب تشتت آرای قضات در این زمینه شده است و بعضاً تاریخ توقف را به زمانی حدود ده یا حتی پانزده سال پیش از صدور حکم بازمی‌گردانند و بسیاری از معاملاتی که تاجر در این مدت داشته قابل ابطال می‌شود.

در زمینه شرکت‌های تجاری، قانون تجارت ایران به گونه‌ای است که هر فردی بدون داشتن سرمایه قابل اتکا می‌تواند شرکت تجاری تاسیس کند و در لوای وجود و نام یک شرکت تجاری، اقدام به معاملاتی نماید که از عهده ایفای تعهدات آن بر نمی‌آید و لذا اصل اعتبار و اعتماد در عالم تجارت را نقض کرده و موجب وضعیت بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی معاملات تجاری می‌شود. مقررات قانون تجارت و ثبت شرکت‌ها به قدری ناقص است که زمینه ایجاد شرکت‌های صوری یا انجام فعالیت‌های غیرقانونی نظیر فرار مالیاتی، پول‌شویی و کلاهبرداری توسط شرکت‌ها فراهم است. (طباطبائی حصار، ۱۴۰۲: ۲۴۵-۲۶۶) از سوی دیگر، آیین دادرسی تجاری‌ای که بتواند ویژگی‌های حقوق تجارت نظیر اصل سرعت را در رسیدگی به دعاوی تجاری و اجرای احکام ناشی از آن لحاظ کند وجود ندارد. کارآمدی مورد نظر این‌گونه محاکم صرفاً با احداث یک ساختمان مجزا و اختصاص چند شعبه آن برای رسیدگی به پرونده‌های تجاری به دست نمی‌آید و تا زمانی که مقدمه واجب یعنی اصلاح قوانین ماهوی و شکلی در این زمینه صورت نگیرد تاسیس دادگاه یا شعب

تخصصی تجاری یک طرح شکست خورده خواهد بود.

۳-۲. حجم بالای پرونده‌های ورودی

تعداد زیاد پرونده‌های ورودی به دادگستری در کنار کمبود قضات برای رسیدگی به پرونده‌ها، وضعیت بغرنجی را موجب شده که تراکم بیش از حد پرونده‌ها، طولانی شدن روند رسیدگی و صدور حکم و افت کیفیت دادرسی‌ها از آثار و تبعات آن است. هرچند این معضل عمومیت داشته و به دعاوی تجاری اختصاص ندارد اما با توجه به این‌که اساس تشکیل دادگاه اختصاصی یا شعب تخصصی تجاری، تسریع در دادرسی و اعمال اصل سرعت است، آثار منفی کثرت پرونده‌های ورودی در این نوع دادگاه، نمود بیشتری می‌یابد. یکی دیگر از عوامل کثرت ورودی پرونده‌ها در دادگاه تجاری، تنوع و گستردگی مفهوم امور تجاری در حقوق ایران است. البته در ماده ۶ دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری در تهران، صلاحیت این مجتمع تنها در سه بند، دعاوی ناشی از خرید و فروش کالا به شکل سنتی یا الکترونیکی بین شرکت‌های تجاری، دعاوی مربوط به شرکت‌های تجاری و کلیه امور و دعاوی مربوط به داوری دعاوی بندهای یک و دو احصا شده است؛ بنابراین دیگر دعاوی تجاری مانند دعاوی ناشی از خرید و فروش کالا بین اشخاص حقیقی تاجر یا بین تاجر حقیقی و شرکت تجاری و سایر موضوعات تجاری در صلاحیت شعب عمومی دادگاه‌های حقوقی است. دلیل این صلاحیت‌گزینی معلوم نیست. ممکن است هدف این بوده که با احصای صلاحیت این شعب، تعداد پرونده‌های ورودی کمتر شود تا امکان رسیدگی بهتر فراهم شود؛ زیرا همان‌گونه که در مقدمه این دستورالعمل آمده، هدف از تاسیس شعب تخصصی تجاری در قالب یک مجتمع قضایی مجزا، افزایش سرعت و دقت در رسیدگی، حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و ایجاد امنیت است. البته به نظر می‌رسد این مهم با رسیدگی تخصصی تنها به چند مورد محدود از دعاوی تجاری و رها کردن دیگر دعاوی تجاری در صلاحیت دادگاه عمومی محقق نمی‌شود.

۴-۲. محدودیت‌های ساختاری شعب تخصصی

شعب تخصصی تجاری که در قالب مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری در تهران تشکیل شده است، به دلایلی نمی‌تواند تمامی اهدافی مورد نظر را محقق

سازند. از مهم‌ترین این دلایل، رسیدگی توسط قضات و بدون حضور تجار است. به دلایلی که پیشتر ذکر شد قضات دادگستری با تخصص حقوقی ولو با گذراندن چند دوره آموزش ضمن خدمت، به متخصص در زمینه امور تجاری با آن همه تنوع عرف و رویه تجاری و قوانین و مقررات خاص آن‌ها تبدیل نمی‌شوند. در این شعب، استفاده از تجارب تجار حتی در حد مشاور برای قاضی نیز پیش‌بینی نشده است. دلیل دوم، رسیدگی وفق قانون آیین دادرسی مدنی است که بسیاری از مواد آن، قابلیت ایجاد اطاله دادرسی را دارد. دلیل دیگر عدم تحقق کارآمدی در شعب تخصصی، این است که قضات این شعب طبق قوانین جاری تجاری به دعاوی رسیدگی کنند؛ قوانینی که خلا و نواقص بسیار دارد و زمینه را برای اطاله دادرسی، طرح دعاوی متعدد و افزایش ورودی پرونده‌ها فراهم می‌کند. هم‌چنین تجدیدنظر از آرای صادره از این شعب تخصصی در دادگاه تجدیدنظر استان به عنوان مرجع عمومی رسیدگی به اعتراض از آرای صادره در دادگاه‌های نخستین است و این خود به نوعی نقض غرض ایجاد می‌کند؛ زیرا آنچه توسط یک مرجع تخصصی مورد رسیدگی و صدور حکم قرار گرفته، توسط قضات غیرمتخصص در مرجع عالی مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در چنین حالتی رسیدگی در این شعب به اصطلاح تخصصی، تفاوت بنیادینی با رسیدگی در سایر شعب دادگاه عمومی ندارد.

۳. ارائه راهکارهای عملی جهت رفع موانع موجود

در این قسمت از مقاله، اهم راهکارها جهت رفع موانع یا به حداقل رسانیدن تاثیرات آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۳. اصلاح بعضی از قوانین شکلی و ماهوی

تحقق کارآمدی از طریق تشکیل نهادی تخصصی برای رسیدگی به دعاوی تجاری، بدون تغییر در قوانین ماهوی از جمله قانون تجارت میسر نخواهد بود؛ زیرا به هر حال هیات رسیدگی کننده به دعاوی تجاری باید در چهارچوب قوانین رسیدگی کنند و تا زمانی که قوانین ماهوی و شکلی ایران به روز نشوند کارایی مورد انتظار از یک مرجع تخصصی رسیدگی کننده به دعاوی تجاری برآورده نخواهد شد. در نخستین قدم باید قانون تجارت اصلاح شود. در این راستا، ارائه تعریف دقیق از تاجر

و اعمال تجاری^۱ ضروری است. بر این اساس لازم است معیار تاجر بودن را اشتغال عملی و مستمر به حداقل یکی از امور تجاری قرار داد؛ ولو این که شخص در کنار این شغل، به شغل دیگری مانند معلمی یا طبابت هم اشتغال داشته باشد. هم چنین در زمینه امور شرکت‌ها، مواردی چون بالا بردن حداقل میزان سرمایه لازم برای تشکیل شرکت تجاری، انسداد قسمتی از سرمایه شرکت حین ثبت آن به عنوان پشتوانه مالی برای طلبکاران احتمالی، اعتبارسنجی شرکت تجاری در زمان ثبت، احراز رسمی واقعی بودن هویت مؤسسان شرکت و اعتبار مالی آنان، الزام شرکت‌های تجاری به ارائه گردش حساب خود به اداره ثبت شرکت‌ها و اتاق‌های بازرگانی و ضابطه‌مند کردن صدور کارت بازرگانی برای تاجر بر مبنای تخصص، سوابق فعالیت، میزان دارایی مثبت، باید مورد نظر قرار گیرد. در زمینه امور ورشکستگی نیز، تعیین ضابطه عینی و واحد برای تعیین تاریخ توقف، محدود نمودن مدت زمانی که می‌توان تاریخ توقف را به زمان پیش از صدور حکم برگرداند و تعیین محدودیت زمانی برای کارشناسی پرونده‌های ورشکستگی و پرونده‌های دعاوی ناشی از ورشکستگی و نیز کارشناسی در ادارات تصفیه با ضمانت اجرای تعلیق کارشناس در صورت عدم ارائه نظر در مدت مقرر، پیشنهاد می‌شود. هم چنین پیش بینی نهادهایی برای احیا یا تداوم فعالیت شرکت ورشکسته از جمله طرح بازسازی بنگاه اقتصادی ورشکسته برای بعضی از موارد ورشکستگی به تاسی از نهادهای مشابه در حقوق کشورهای دیگر می‌تواند مفید واقع شود (قنوتی و کهنمویی، ۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۴۳؛ علاالدینی و آذربایجانی، ۱۳۹۴: ۳۹-۶۶؛ مجاهد، ۱۴۰۰: ۶۵-۷۷؛ Macham, 2004: 24-38). تصویب قانون آیین دادرسی تجاری و لزوم رسیدگی اختصاری به دعاوی تجاری نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

۳-۲. استفاده از ظرفیت تاجر در کنار قضات در رسیدگی به امور تجاری

۱. بنا به نظر مرکز پژوهش‌های مجلس در نظر شماره ۱۵۰۱۰: «به دلیل ابهام موجود در نظام حقوقی در خصوص تاجر و اعمال تجاری، تشکیل دادگاه تجاری به جهت اختلافی که در صلاحیت با دادگاه‌های عمومی حقوقی خواهد داشت نه تنها کمک چندانی به دادگستری نمی‌کند، بلکه خود عامل ایجاد اطلاع دادرسی است». به نظر می‌رسد احتمال اختلاف در صلاحیت در خصوص سایر دادگاه‌های اختصاصی با دادگاه‌های عمومی نیز وجود دارد، اما این احتمال مانع تشکیل آن‌ها نشده است. با اصلاح قانون و ارائه تعریف دقیق‌تر این احتمال و مصادیق آن را می‌توان کاهش داد. لذا این نظر قابل انتقاد است.

با عنایت به این که فعالیت‌های تجاری بیش از آن که بر پایه قانون انجام شود، بر اساس عرف حاکم بر این فعالیت‌ها و روابط تجاری تجار شکل می‌گیرد؛ از این رو هر اندازه تلاش شود از قضاتی که تحصیلات حقوقی دارند، متخصص در زمینه امور تجاری بسازیم با توفیق زیادی همراه نخواهد بود؛ زیرا دامنه امور و موضوعات تجاری بسیار گسترده است و نمی‌توان از قاضی دادگستری که تحصیلات حقوقی دارد انتظار داشت در تمام موضوعات تجاری با تمام تنوع آن‌ها متخصص شود. از سوی دیگر، آنچه در رسیدگی‌های تجاری باید بسیار مورد توجه قرار گیرد، عرف‌های تجاری در هر موضوع است. حتی اگر بتوانیم با آموزش مطالب ثوری در زمینه امور تجاری به قاضی، او را در این زمینه‌ها متخصص گردانیم، آشنایی و تسلط بر عرف در زمینه‌های گوناگون مستلزم قرار گرفتن در آن فضا است و با دشواری بیشتری روبه‌روست. در مقابل تصور ارائه آموزش‌های حقوقی لازم برای رسیدگی و صدور رای به تجار با دشواری و حتی هزینه به مراتب کمتری همراه خواهد بود. به این ترتیب، سپردن امر قضاوت دعاوی تجاری به اهل آن، یعنی تجار ضروری است و لذا به جای تشکیل دادگاه‌های اختصاصی تجاری باید به فکر تشکیل دیوان تخصصی تجاری بود.

ساختار دیوان تخصصی تجاری با الهام از تشکیلات دیوان عدالت اداری و با ویژگی‌های خاص به شرح زیر است:

یکم، در این راستا باید قانونی تهیه و تصویب شود که به تمام موضوعات مانند ساختار و تشکیلات، حدود صلاحیت، نحوه انتخاب تجار رسیدگی کننده به دعاوی، نحوه رسیدگی از همان زمان تقدیم دادخواست تا زمان اجرای حکم و ... به طور دقیق پیش‌بینی گردد. این دیوان در مراکز استان‌ها و بعضی شهرها و مناطقی که مبادلات تجاری بیشتری دارند تشکیل شود و به لحاظ ماهیت قضایی تصمیمات و موضوعات ارجاعی به آن، لازم است زیر مجموعه قوه قضائیه قرار گیرد.

دوم، تجار رسیدگی کننده باید خود در زمینه موضوع پرونده سابقه فعالیت تجاری داشته باشند و ورشکسته نیز نباشند. این تجار می‌توانند به پیشنهاد اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن هر استان در موضوعات مختلف مانند حمل و نقل، بیمه و امور تولیدی و توزیعی و ... پس از تایید قوه قضائیه، توسط رئیس دیوان که به نوعی

دارای سمت اداری است، حسب موضوع پرونده انتخاب شوند. حقوق و تکالیف این اشخاص و ضمانت اجرای تخلفاتی نظیر تبانی و یا عدم رسیدگی و صدور رای طبق قانون باید تعریف و مدون شود. تجار موجود در این فهرست همگی باید دوره‌های آموزش حقوقی را جهت اداره جلسات و انشای رای گذرانده باشند.

سوم، در معیت دو عضو تاجر در شعب دیوان تجاری، یک قاضی دادگستری جهت تضمین رعایت موازین حقوقی در جلسات، اعمال مقررات قانونی و کمک به دو عضو تاجر برای انشای رای و مستدل و مستند سازی آن تعیین شود. هر یک از قضات و تجار رسیدگی کننده از حق رای برابر برخوردارند. البته مشارکت شخصی که قاضی نیست در فرایند صدور رای و در کنار قاضی، در حقوق ایران مورد اقبال نیست، اما مشابه این ترتیب در دادگاه‌های رسیدگی کننده به جرائم سیاسی و مطبوعاتی دیده شده است که مستند به اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی باید با حضور هیات منصفه تشکیل شود و اعضای این هیات باید در خصوص مجرمیت یا تبرئه متهم اظهار نظر نمایند. البته مستند به رای وحدت رویه شماره ۸۳۷ مورخ ۱۴۰۲/۷/۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور دادگاه مکلف به تبعیت از نظر هیات منصفه نیست.

در پاسخ به این ایراد باید گفت در دادگاه تجاری مستشاران غیرقضایی امکان دخالت در رسیدگی و مشارکت در صدور حکم را ندارند، اما در نهادی با عنوان «دیوان تخصصی» این محدودیت وجود ندارد؛ زیرا مصادیق دیگر مانند دیوان دآوری وجود دارد که رسیدگی کننده به دعاوی قضایی نیستند. مثال ملموس تر کمیسیون‌های شهرداری یا مالیاتی به عنوان مراجعی اختصاصی است که قضات در کنار افراد غیر قضایی به پرونده‌های در صلاحیت آن کمیسیون رسیدگی کرده و از حق رای برابر برخوردارند. با اقتباس از چنین نهادهایی می‌توان گفت در دیوان تخصصی تجاری نیز مشارکت در رسیدگی و صدور رای برای مستشاران غیرقضایی (تجاری) در کنار قاضی دادگستری منع عقلی و قانونی ندارد. همچنین در زمینه به کارگیری مستشاران تجاری در شعبه دیوان تخصصی تجاری، این ایراد قابل طرح است که در زمان حیات دادگاه‌های تجاری در نظام حقوقی ایران، استفاده از ظرفیت تجار برای رسیدگی در این دادگاه‌ها پیش‌بینی شده بود که بی‌اعتنایی آن‌ها برای حضور

در جلسات و صدور رای و نیز خروج ایشان از اصل بی طرفی باعث اطاله دادرسی می‌شد. به عبارتی، دادگاه‌های تجاری که به منظور تسریع در رسیدگی‌ها ایجاد شده بود، به عاملی برای کندی و تعلل در رسیدگی بدل شد و به همین دلیل قانون تسریع محاکمات آن‌ها را حذف کرد. حال بر چه اساسی تجربه‌ای که یک بار به شکست انجامیده را مجدد باید تکرار کرد؟ در پاسخ می‌توان گفت که قانون‌گذار در ماده ۲۱ قانون تشکیل محاکم تجاری خدمات اعضای تاجر در این دادگاه‌ها را مجانی و بلاعوض اعلام کرده بود. این موضوع یکی از مهم‌ترین علل عدم رغبت تجار برای شرکت در جلسات دادگاه و مشارکت در صدور رای بوده است؛ بنابراین نخستین گام برای ایجاد پای‌بندی در اعضای تاجر دیوان تخصصی تجاری، مقرر ساختن حقوق و پاداش برای ایشان است. اصلاح ساختار مدیریت منابع و بهینه‌سازی منابع تخصیصی در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد (نوبهار و قاسمی و صفاری، ۱۴۰۲: ۳۷۲). هم‌چنین قوه قضاییه می‌تواند از ظرفیت‌های مالی اتاق‌های بازرگانی برای تقبل بخشی از این هزینه‌ها استفاده کند. راهکار بعدی، متغیر بودن هیات تصمیم‌گیرنده در هر شعبه دیوان تخصصی تجاری است؛ به این معنا که برخلاف دادگاه‌ها که قاضی رسیدگی‌کننده در هر شعبه ثابت است و تغییر قاضی به صورت ادواری اتفاق می‌افتد، در شعب دیوان تخصصی تجاری بهتر است که ترکیب هیات رسیدگی‌کننده به پرونده شامل یک قاضی و دو مستشار غیر قضایی (تجاری) از هر پرونده تا پرونده دیگر متغیر باشد و این اعضا ثابت نباشند. این تدبیر در کنار کاهش امکان اعمال نفوذ در این هیات، مانع انباشت پرونده‌های یک شعبه به دلیل عدم حضور اعضای تاجر آن می‌شود. البته در صورتی که ترکیب هیات رسیدگی‌کننده به یک پرونده تعیین شد، این اعضا تا زمان تعیین تکلیف آن پرونده ثابت خواهند بود و باید در قانون برای طول مدت رسیدگی و تعیین تکلیف در آن زمینه، محدودیت زمانی مثلاً شش ماهه^۱ حسب موضوع پرونده با قید ضمانت اجراهای سنگینی مانند محرومیت از مستشاری یا تعلیق کارت بازرگانی برای مدت معینی یا هر دو مجازات برای عدم تعیین تکلیف در آن بازه زمانی تعیین شود.

۱. مانند محدودیت زمانی سه ماهه در مقررات آیین دادرسی مدنی برای صدور رای توسط داوران که با ضمانت اجرای محرومیت از داوری تضمین شده است.

چهارم، در درون تشکیلات این دیوان مانند تشکیلات دادگاه‌ها و یا دیوان عدالت اداری، هیات تجدیدنظر و نهاد اجرای احکام هم پیش‌بینی گردد تا بتوانند با لحاظ خصوصیات خاص امور تجاری از جمله اصل سرعت، آراء دیوان را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به اجرا درآورند. به عبارتی مرجع رسیدگی تجدیدنظر به آرای صادره از دیوان محاکم تجدیدنظر استان نیستند، بلکه در خود دیوان، شعب تجدیدنظر مجدد با حضور سه تاجر و دو قاضی دادگستری تشکیل می‌شود. هم‌چنین اجرای آراء صادره از شعب دیوان باید تابع مقررات اجرای احکام خاص و نه اجرای احکام مدنی باشد. بنابراین قانون پیشنهادی باید دارای چهار بخش مجزا شامل: ساختار و تشکیلات دیوان و مباحث مربوط به صلاحیت ذاتی و محلی آن، آیین دادرسی و شیوه طرح دعوی و رسیدگی به آن در مرحله بدوی، شیوه‌های اعتراض به آرای صادره و نحوه رسیدگی در مرحله تجدیدنظر، مقررات مربوط به ادله اثبات دعوی و مقررات مربوط به اجرای آرای صادره باشد.

پنجم، این دیوان به لحاظ ساختاری زیر مجموعه قوه قضاییه و نوعی مرجع قضایی و از نوع مراجع اختصاصی حقوقی خواهد بود. شاید بتوان از لحاظ ساختاری و این‌که دیوان تخصصی تجاری، مراجع بدوی، تجدیدنظر و اجرای احکام خاص خود را دارد و نیز طیف موضوعات متنوع داخل در صلاحیت آن، دیوان تخصصی تجاری را تا حدودی شبیه به دیوان عدالت اداری دانست؛ زیرا در دیوان عدالت اداری نیز به تمام دعاوی و شکایات مردم از واحدهای دولتی و عمومی که طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد رسیدگی می‌شود، اما این دو تفاوت‌های اساسی نیز با یکدیگر دارند؛ از جمله این‌که، رسیدگی در دیوان تخصصی تجاری توسط هیات رسیدگی‌کننده مرکب از قضات و تجار است؛ در حالی که در دیوان عدالت اداری تنها قضات دادگستری عهده‌دار امر رسیدگی هستند. موضوعات داخل در صلاحیت دیوان تخصصی تجاری، دارای ماهیتی حقوقی و از نوع دعاوی تجاری خواهد بود؛ در صورتی‌که دیوان عدالت اداری به دعاوی اداری رسیدگی می‌کند. با توجه به محدود و محصور بودن موضوعات داخل در صلاحیت دیوان تخصصی تجاری، این دیوان یک مرجع اختصاصی حقوقی به شمار می‌آید؛ با این تفاوت که علاوه بر مرجع بدوی، مرجع تجدیدنظر و اجرای احکام اختصاصی نیز دارد. همچنین با توجه به

اینکه عزل و نصب اعضای هیات رسیدگی‌کننده در دیوان تخصصی تجاری توسط قوه قضاییه صورت می‌گیرد، جزء مراجع اختصاصی داخل در دادگستری خواهد بود. ششم، در درون شعب دیوان تخصصی تجاری باید بین شعب بر مبنای موضوعات مورد ارجاع تقسیم بندی صورت گیرد. رسیدگی به دعاوی دریایی، دعاوی مربوط به ورشکستگی و انحلال و ادغام شرکت‌ها، دعاوی مربوط به واردات و صادرات و ... هر یک باید در شعب تخصصی خود مورد رسیدگی قرار گیرند. در کشورهایی که تجربه موفقی در زمینه رسیدگی به دعاوی تجاری دارند یکی از راهکارهای مورد استفاده، دادگاه‌های متعدد تجاری است که هر یک به موضوعی رسیدگی می‌کند؛ مانند دادگاه ورشکستگی، دادگاه تجارت بین‌الملل و دادگاه دعاوی کشتیرانی و دریایی. در این صورت رسیدگی‌ها به صورت تخصصی صورت می‌گیرد و حجم ورودی پرونده‌ها که یکی از موانع تحقق کارآمدی دادگاه‌هاست، با توزیع بین شعب بر مبنای تخصص کنترل می‌شود.

پیشنهاد پایانی، استفاده از ظرفیت قضات تجاری بین‌المللی دیگر کشورها در دیوان است که باید در آیین دادرسی ویژه این نهاد دیده شود. اگر می‌خواهیم با تاسیس یک مرجع اختصاصی تجاری با ارتقای کیفیت دادرسی باعث ایجاد اطمینان خاطر در تجار بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری در ایران شویم، باید دامنه روابط بین‌المللی قضایی را گسترش داده و از تجارب و ظرفیت‌های قضات متبحر در این زمینه در کشورهای دیگر استفاده نمود. برگزاری جلسات به صورت آنلاین و رفع موانع ساختاری در این زمینه، کمک زیادی به عملی شدن این پیشنهاد می‌نماید. دیوان تخصصی تجاری با چنین اوصافی در نظام قضایی ایران مسبوق به سابقه نبوده و تجربه جدیدی خواهد بود.

۳-۳. استفاده از ظرفیت هوش مصنوعی و فناوری اطلاعات در

دادرسی‌ها

یکی دیگر از راهکارهایی که برای ارتقای سرعت در دادرسی مورد توجه و در بعضی از کشورها مورد استفاده قرار گرفته، استفاده از فناوری هوش مصنوعی در دادرسی است. پیچیدگی روابط بین اشخاص و تخصصی بودن موضوع بسیاری از دعاوی، تعدد قوانین و مقررات مرتبط که مستلزم تسلط قاضی بر امور موضوعی

و حکمی متعدد و پیچیده است از یک سو و قابلیت چشم‌گیر هوش مصنوعی در پردازش و مدیریت داده‌ها با سرعت و دقت بالا باعث شده ایده استفاده از هوش مصنوعی در رسیدگی‌های قضایی به ذهن بشر خطور کند. (حسینی و عبدخدائی و شریف‌خانی ۱۴۰۲: ۷۸) البته در شرایط فعلی، از هوش مصنوعی در بهترین حالت ممکن صرفاً در نقش مشاور و ابزار کمکی قاضی می‌توان بهره برد و به دلیل بعضی محدودیت‌ها، امکان سپردن کل جریان دادرسی و فصل خصومت به هوش مصنوعی وجود ندارد. البته استفاده از ظرفیت هوش مصنوعی در دادرسی موضوعی است که با چالش‌های بسیاری روبه‌روست؛ از جمله این مشکلات، در ارتباط با استدلال حقوقی خصوصاً در پرونده‌های با موضوع جدید و فاقد سابقه مشابه و پرونده‌های چند بعدی و دشوار است. همچنین آنچه که جانبداری و سوگیری هوش مصنوعی نامیده شده هم یکی دیگر از ایرادهای وارد بر استفاده از این فناوری در دادرسی‌هاست. (رهبری و شعبان‌پور، ۱۴۰۱: ۴۳۱) با این وصف ضرورت هم‌گام شدن با تحولات و به روز نمودن فرایند رسیدگی به دعاوی، استفاده از ظرفیت هوش مصنوعی را هر چند به صورت کنترل شده و محدود در ابتدای کار توجیه می‌نمایند.

برآمد

۱- تشکیل مرجع اختصاصی برای رسیدگی به پرونده‌های تجاری همواره مورد توجه قانون‌گذاران و متولیان امر بوده و تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است. این تلاش‌ها در برهه‌ای از تاریخ به شکل تشکیل یک دادگاه اختصاصی تجاری و امروزه به شکل تخصیص بعضی از شعب دادگاه‌های عمومی به عنوان شعب تخصصی تجاری بوده است.

۲- دلایل عدم اثربخشی تشکیل دادگاه اختصاصی تجاری در گذشته و شعب تخصصی تجاری در شرایط فعلی عبارت است از: کمبود یا فقدان نیروی متخصص در رسیدگی‌ها، نقص قوانین شکلی و ماهوی در این زمینه، حجم زیاد پرونده‌ها و اطاله بیش از حد دادرسی، عدم استفاده از ظرفیت‌های دادرسی الکترونیک و در نهایت برخی محدودیت‌ها که در ساختار عملکردی شعب تخصصی تجاری وجود دارد.

۳- بدون فراهم آوردن اسباب و مقدمات یک رسیدگی تخصصی، تشکیل یک مرجع رسیدگی مجزا برای رسیدگی به دعاوی تجاری در قالب دادگاه اختصاصی تجاری یا شعب تخصصی تجاری نمی‌تواند تغییر اساسی در این زمینه ایجاد کند، بلکه در گام نخست باید مقدمات رسیدگی تخصصی مهیا شود. در این راستا اصلاح قوانین شکلی و ماهوی از جمله تصویب قانون آیین دادرسی تجاری، و اصلاح مقررات قانون تجارت در بخش‌های شرکت‌ها و ورشکستگی جزو ضروری‌ترین اقدامات است.

۴- پیشنهاد این تحقیق، تشکیل دیوان تخصصی تجاری با استفاده از ظرفیت تجار در قالب مستشاران غیر قضایی کنار قاضی و با حق رای برابر است. وقتی مرجع اختصاصی رسیدگی، عنوان دادگاه نداشته باشد، دخالت اشخاص غیر حقوقی در فرایند رسیدگی و صدور رای آسان‌تر پذیرفته می‌شود. کمیسیون‌های شهرداری و مالیاتی نمونه‌های نسبتاً موفقی از این مشارکت بین قضات و اشخاص غیر حقوقی است. دیوان تخصصی تجاری با اقتباس از دیوان عدالت اداری باید به گونه‌ای باشد

که شعب بدوی، تجدیدنظر و اجرای احکام خاص امور تجاری را در خود داشته و تابع آیین دادرسی ویژه امور تجاری باشد.

فهرست منابع:

الف. فارسی

* بهره‌مند بگ‌نظر، حمید و عامری ثانی، امیرکیا و فرهمند، آذر و حاجی زاده، امیرحسین (۱۴۰۲)، «سیاست حقوقی و پیشگیری از تشمت آرا؛ کاهش دامنه تفسیرپذیری قوانین از طریق یادداشت توضیحی و آزمایشگاه قضایی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۴

* حسینی، سید احمد و عبدخدائی، زهره و شریف‌خانی، محمد (۱۴۰۲)، «کاربرد هوش مصنوعی در رسیدگی‌های قضایی، چالش شفافیت و راهکارهای آن»، دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۱.

* جوهر، سعید و نیکوند، شکرالله (۱۳۹۹)، «دادگاه‌ها اقتصادی جایگزین محاکم تجاری، با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی فرانسه و بلژیک»، تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۱۳، شماره ۴۹.

* جوهر، سعید (۱۴۰۰)، **بایسته‌های دادرسی تجاری**، چاپ نخست، تهران: جاودانه

* رهبری، ابراهیم و شعبان‌پور، علی (۱۴۰۱)، «چالش‌های کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در دادرسی‌های حقوقی»، تحقیقات حقوقی ویژه‌نامه حقوق فناوری، دوره ۲۵.

* طباطبائی حصار، نسرین و صفی‌زاده، سروش (۱۴۰۲)، «شرکت‌های کاغذی و راهکارهای مقابله با آن‌ها در پرتو آسیب شناسی نظام ثبت شرکت‌ها»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۳.

* علاالدینی، امیرعباس و آذربایجانی، علیرضا (۱۳۹۴)، «تبیین راهبردهای موجود در خصوص جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌ها در لایحه تجارت و حقوق فرانسه»، مطالعات مدیریت راهبردی، دوره ۶، شماره ۲۴.

* قاسمی حامد، عباس و غفوری اصل، غزل (۱۳۹۴)، «لزوم احیای دادگاه‌های تجاری»، تحقیقات حقوقی، دوره ۱۹، شماره ۷۳.

* قنوتی، جلیل و کهنمویی، اسماعیل (۱۳۸۹)، «بررسی نهاد بازسازی در قانون ایالات متحده و مقایسه آن با قرارداد ارفاقی»، مدرس علوم انسانی - پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۴ (پیاپی ۷۰).

* مافی، همایون و افشار ونگینی، رحمان (۱۴۰۱)، «ایجاد دادگاه‌های تجاری در راستای اصل سرعت در آیین دادرسی»، دانشنامه‌های حقوقی، دوره ۵، شماره ۱۴.

* مجاهد، افشین (۱۴۰۱)، «جایگاه دادگاه‌های تجاری در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، سال پنجم، شماره ۱۷.

* مجاهد، افشین (۱۴۰۰)، «مطالعه تطبیقی آثار ورشکستگی در حقوق ایران و فرانسه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، سال چهارم، شماره ۱۵.

* نریمانی، محمدرضا و میری، سید امیر احسان (۱۴۰۲)، «دادگاه‌ها و دادرسی تجاری در نظام قضایی ایران، چاپ نخست، تهران: شهر دانش».

* نوبهار، رحیم و قاسمی، مجتبی و صفاری، فاطمه (۱۴۰۲)، «چالش‌های تخصیص منابع مالی به قوه قضاییه در جمهوری اسلامی، مجله حقوقی دادگستری»، دوره ۸۸، شماره ۱۲۷

ب. انگلیسی

* Administrative office of the U.S Court, (2016), **The Federal Court System in The United State An Introduction For Judges And Judicial Administrator in Other Countries**, published by Administrative office of the U.S Court 4th edition, available at: <<https://www.uscourts.gov/sites/default/files/federalcourtsystemintheus.pdf>> (last visited on 2024/04/22)

* Baum, Lawrence, **Judicial Specialization and the Adjudication of Immigration Case**, (2010), Duke Law Journal, Vol 59, pp 1501-1561, available at: <<https://scholarship.law.duke.edu/dlj/vol59/iss8/1/>> (last visited on 2023/08/20)

* Difiore, Janet (2018), **“Electronic Filing in The New York State”**,

Report of the Chief Administrative Judge to the Legislature, the Governor, and the Chief Judge of the State of New York, available at: <https://ww2.nycourts.gov/sites/default/files/document/files/2018-06/18_E-File_Report.pdf> (last visited on: 2024/08/18)

* Easterbrook, Frank H, **Afterword: on Being A Commercial Court**, (1989), Chicago-Kent Law Review, vol 65, pp: 877-881 Available at: <<https://scholarship.kentlaw.iit.edu/cklawreview/vol65/iss3/11>> (last visited on 2023/08/13)

* Haig, Robert L. (1996) **"Can New York's New Commercial Division Resolve Business Disputes As Well As Anyone? "**, Touro Law Review, Vol 13, No 1, pp: 191-205, available at: <<https://digitalcommons.tourolaw.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1633&context=lawreview>> (last visited on 2023/09/1301)

* HM Courts & Tribunals Service, (2022), **"The Business and Property Courts of England & Wales"**, (2022), 11th Edition, available at: <<https://www.judiciary.uk/wp-content/uploads/2022/06/Commercial-Court-Guide-11th-edition.pdf>> (last visited on: 2024/08/17)

* Mecham, Leonidas Ralph, **Bankruptcy basics**, (2004), Administrative Office of the United States Courts, Revised Second Edition, available at: <<https://www.govinfo.gov/content/pkg/GOVPUB-JU10-PURL-LPS44750/pdf/GOVPUB-JU10-PURL-LPS44750.pdf>> (last visited on 2023/11/20)

* Lye, Kc & Chan, Darius (2015), **"The Singapore International Commercial Court: a challenge to arbitration?"**, Banking and Finance Disputes Review, Issue 07, available at: <<https://www.nortonrosefulbright.com/-/media/files/nrf/nrfweb/imported/banking-and-finance-disputes-review---issue-7.pdf?>>, (last visited on: 2024/08/18)

- * Parish Matthew, (2015), **“London’s Commercial Court sinks under its own weight”**, Global Arbitration Review, available at: < https://www.linkedin.com/pulse/londons-commercial-court-sinks-under-its-own-weight-matthew-parish?trk=seokp_posts_primary_cluster_res_title>> (last visited on: 2024/08/18)
- * Ramasubramanian, Justice V, **“Commercial Litigation or Litigation Commercial: Specialised Commercial Courts in India**. National Law School Business Law Review: Vol. 1: Iss. 1 , Available at: < <https://repository.nls.ac.in/nlsblr/vol1/iss1/7>> (last visited on 2024/02/13)
- * Silversri, Elisabetta, (2014), **“Judicial Specialization: In Search of the ‘Right’ Judge for Each Case”**. RUSSIAN LAW JOURNAL, Vol 2 , Issue 4, 2014, pp 165-175, Available at:<https://www.researchgate.net/publication/281431554_Judicial_Specialization_In_search_of_the_'Right'_Judge_for_Each_Case > (last visited on 2024/04/03)
- * South China Morning Post (2014), **“Singapore’s Planned International Commercial Court to Take Business Away from London and Hong Kong”**, Report of Reuters in Singapore available at: <<http://www.scmp.com/business/companies/article/1426528/singapores-planned-international-commercial-court-com>>, (last visited on: 2024/08/18)
- * The Stationery Office, (2009) **“Review of Civil Litigation Costs: Final Report”**, Published by TSO (The Stationery Office) (UK). available at: < <https://www.judiciary.uk/wp-content/uploads/JCO/Documents/Reports/jackson-final-report-140110.pdf> > (last visited on: 2024/08/17)
- * Vijay Damle, Sarang, (2005), **“Specialize the judge, Not The**

Court: A Lesson From The German Constitutional Court”, Virginia Law Review Vol. 91, pp 1267-1311 ,available at: < <https://virginialawreview.org/articles/specialize-judge-not-court-lesson-german-constitutional-court/> > (last visited on 2024/03/17)

* Wang, Yu, (2007), **The Impact of Specialized Courts on the Federal Judicial System 1925-1981**: bepress Legal Series.Working Paper available at: <<https://law.bepress.com/expresso/eps/1977>> (last visited on 2024/05/01)